

## دلبستگی به مکان، مشارکت مدنی و آمادگی در برابر مخاطرات (مورد مطالعه: شهروندان شهرک باغ‌میشه تبریز)\* فرزانه هدفی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

### چکیده

تحقیق حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی بوده و با هدف مطالعه ارتباط بین متغیرهای دلبستگی به مکان، مشارکت مدنی و آمادگی در برابر مخاطرات انجام گرفته است. برای تحلیل اطلاعات از ماتریس کوواریانس بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را تمام ساکنین بالای ۱۸ سال شهرک باغ‌میشه تشکیل می‌دهند، که بر اساس جدول مورگان ۳۸۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند، اما در نهایت به دلیل مخدوش بودن اطلاعات برخی از پاسخگویان، اطلاعات ۳۶۴ نفر که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، مورد تحلیل قرار گرفتند. ادبیات نظری استفاده شده در این تحقیق عمدتاً مبتنی بر نظریه‌های روان‌شناسی محیطی و مشارکت اجتماعی و نهادهای مدنی بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی میزان اعتبار سازه‌ای پرسشنامه در حد مطلوب ارزیابی شد و آزمون آلفای کرونباخ نشان‌دهنده مناسب بودن ثبات درونی گویه‌ها بود. یافته‌های تحقیق نشان داد میزان دلبستگی به مکان در بین شهروندان شهرک باغ‌میشه تقریباً در حد متوسط و نمره ۶/۵۳ از ۱۰ نمره ممکن بوده است. میزان مشارکت شهروندان در سطح نسبتاً مطلوبی قرار داشته و ۱۲/۴۳ از ۱۵ نمره ممکن به دست آمده است. همچنین آزمون فرضیه‌های تحقیق بیانگر ارتباط معنی‌دار بین ابعاد مختلف آمادگی در برابر مخاطرات با دلبستگی به مکان و مشارکت شهروندی بوده و آزمون مسیر مدل ساختاری نشان داد هم دلبستگی به مکان و هم مشارکت شهروندی به‌طور معنی‌داری می‌توانند تغییرات متغیر آمادگی در برابر مخاطرات را پیش‌بینی کنند. همچنین متغیر دلبستگی به مکان توانسته است تأثیر معنی‌داری در مشارکت مدنی داشته باشد. نتایج تحقیق نشان داد به‌رغم نمره‌های نسبتاً مناسبی که پاسخ‌گویان از گویه‌های آمادگی شناختی کسب کرده بودند، اما نمره‌های آن‌ها در آمادگی رفتاری و فیزیکی چندان مطلوب نبوده و شکاف محسوسی در شناخت و رفتار شهروندان دیده می‌شود.

**واژگان کلیدی:** آمادگی در برابر مخاطره، آمادگی رفتاری، آمادگی شناختی، آمادگی فیزیکی، دلبستگی به مکان، مشارکت مدنی، شهرک باغ‌میشه تبریز.

\*مقاله علمی - پژوهشی، تالیف مستقل

<sup>۱</sup> استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هریس، هریس، ایران؛ [Hadafi@herisiau.ac.ir](mailto:Hadafi@herisiau.ac.ir)

# Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 13, No. 1, Spring and Summer 2021

## Place Attachment, Civic Engagement and Risk Preparedness (Case Study of the Citizens of Baghmisheh, Tabriz)\*

Farzaneh Hadafi<sup>1</sup>

Received February 21, 2021

Accepted September 6, 2021

### Abstract

The present descriptive-correlational study has aimed to investigate the relationship of place attachment and civic engagement with risk preparation. The study population included all residents of Baghmisheh, being 18 years of age or over. According to Morgan's table, 381 participants were selected by cluster sampling method, but the information of 364 people was finally analyzed due to the distorted information of some respondents. The theoretical literature used in the present study was mainly based on the theories of environmental psychology, social participation, and civic institutions. In order to collect information, a standard questionnaire was administered. Construct validity of the questionnaire and internal consistency of its items were corroborated using confirmatory factor analysis and Cronbach's alpha test, respectively. The residents were at a moderate level of place attachment (mean score = 6.53 out of 10), but their civic engagement was at a relatively desirable level (mean score = 12.43 out of 15). Based on the findings, different dimensions of risk preparedness had a significant relationship with place attachment and civic engagement. As the structural equation modeling indicate, place attachment and civic engagement could significantly predict the variations in risk preparedness variable. Moreover, the place attachment variable had a significant effect on civic engagement. Despite the respondents' relatively high scores in cognitive preparedness, their scores were not desirable in behavioral and material preparedness, so that a significant gap was observed in the knowledge and behavior of citizens.

**Keywords:** Place attachment, Civic engagement, Risk preparedness, Material preparedness, Behavioral preparedness, Cognitive preparedness, Baghmisheh district of Tabriz

---

\* Scientific-Research Article, Independent writing

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Heris Branch, Heris, Iran; Hadafi@herisiau.ac.ir

## مقدمه و طرح مسئله

مخاطرات زیست‌محیطی، سابقه‌ای به درازای تاریخ بشریت دارند به طوری که در افسانه‌ها، داستان‌های عامیانه، سنت‌های شفاهی و اسطوره‌های مختلف ارتباط انسان با طبیعت و مخاطرات و مواهب زیست‌محیطی بخش مهمی از فرهنگ بشری را به خود اختصاص داده است (پیکاردی و مایسه<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). لذا برنامه‌ریزی مدیریت ریسک مخاطرات و اجرای سیاست‌های کاهش آن‌ها و مواجهه با چالش‌هایی که این خطرات ایجاد می‌کند، یک ضرورت مهم برای مدیریت شهری محسوب می‌شود (بکن و های<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ هال و هیام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). با این حال، برای پاسخ‌گویی بهتر و انطباق با مخاطرات فزاینده، لازم است که به تأثیرات متقابل این مخاطرات بر زندگی انسان‌ها و تأثیراتی که انسان‌ها در ایجاد یا مدیریت و مواجهه بهتر با این مخاطرات دارند توجه کرد (چاملی - رایت و استور<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹؛ سیلوری و گرک - مارتین<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵).

آنچه در مطالعات مربوط به آمادگی در برابر مخاطرات وجود دارد حاکی از آن است که بیشتر به اقداماتی که از جانب دولت و مراجع رسمی صورت گرفته توجه شده و به نقش نهادهای غیررسمی، نقش جوامع محلی، خانواده‌ها و اشخاص کمتر توجه شده است. در حالی که در ارتباط انسان با طبیعت و محیط اطراف خود مخاطرات فراوانی وجود دارد که بخشی از حافظه تاریخی مکانی انسان‌ها محسوب می‌شود که در ادبیات روان‌شناسی زیست‌محیطی تحت عناوین مختلفی از قبیل: دلبستگی مکانی، حس مکان و هویت مکانی شناخته شده است (استدمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). دلبستگی به مکان را می‌توان به عنوان تجربه‌های عاطفی و شناختی انسان‌ها در ارتباط با مکان دانست (لو و آلتمن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۲). دلبستگی به مکان می‌تواند به درک مبادله‌های انسان با محیط در وضعیت‌های خطرزا و راهبردهای مقابله و آمادگی در برابر آن‌ها کمک کند. به طور کلی، فعالیت‌های مربوط به حوادث را می‌توان به آمادگی مادی (به عنوان مثال، داشتن یک جعبه مواد اولیه در خانه)، آگاهی یا آمادگی فکری (به عنوان مثال، دانش کافی در مورد مخاطرات) و آمادگی رفتاری (به عنوان مثال، شرکت در تمرین یا مانورها، فعالیت‌های داوطلبانه) تقسیم کرد.

1 Piccardi &amp; Masse

2 Becken &amp; Hay

3 Hall &amp; Higham

4 Chamlee-Wright &amp; Storr

5 Silvery &amp; Grek-Martin

6 Stedman

7 Low &amp; Altman

در ادبیات نظری تحقیق بر ارتباط بین دلبستگی به مکان و شیوه رفتار انسان‌ها در مواقع مخاطره تأکید شده است. در واقع ارتباط این دو مؤلفه این‌گونه ترسیم شده است که مکان‌هایی که در معرض تهدید بیشتری هستند، انسان‌ها نسبت به آن‌ها دلبستگی بیشتری دارند (آنتون و لورنس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). این دلبستگی شاید به این دلیل باشد که انسان اگر تصور کند که مکانی که به آن تعلق دارد ممکن است از بین برود، بیشتر نسبت به آن تعلق خاطر پیدا می‌کند (پورشنکاسی<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۸۳). از طرف دیگر، انسان‌هایی که دلبستگی بیشتری به مکان دارند، تعلق خاطر و مشارکت بیشتری در امور اجتماعی و سیاسی آن خواهند داشت (میشچ و مانور<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). آن‌ها در قبال تغییرات محیطی بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند و آمادگی بیشتری برای سازگاری مناسب با این تغییرات که ممکن است به شکل مخاطرات طبیعی باشد، دارند. در اجتماعاتی که میزان دلبستگی مکانی انسان‌ها بالا است، می‌توان انتظار داشت میزان همدلی، همکاری، کنش جمعی و انسجام اجتماعی برای رسیدن به نتایج مطلوب هم افزایش یابد (جی براون<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۵).

در دوران معاصر و در نتیجه رشد جمعیت، افزایش شهرنشینی، انقلاب صنعتی و ورود فناوری‌های عظیم به زندگی بشر که تغییرات چشمگیری را در سبک زندگی آن‌ها ایجاد کرده است، دگرگونی‌های مهمی در محیط زیست ایجاد شده و مخاطرات زیست محیطی بیش از پیش جوامع بشری را تحت تأثیر خود قرار داده است. از این رو، ما امروزه نیازمند درکی بهتر و بروز از نحوه تعاملات بشری با محیط زیست و انطباق با تغییرات آن هستیم. در سایه چنین درکی است که می‌توان آمادگی لازم را در برابر مخاطرات زیست محیطی کسب و امکانات و ظرفیت‌های مختلف جامعه را برای مقابله با این مخاطرات و مدیریت بهتر آن‌ها بسیج کرد.

شهرک باغ‌میشه تبریز یکی از شهرک‌های متراکم شهر تبریز است که به دلیل موقعیت جغرافیایی خود و قرارگیری در بین ارتفاعات عون ابن علی در شمال و رود اسبه ریز در جنوب شهرک و همچنین به دلیل قرار گرفتن بر روی گسل شمال تبریز، همواره مستعد حوادث و مخاطرات طبیعی از قبیل: زلزله، سیل و رانش زمین بوده است. در حال حاضر به‌رغم هشدارهای

---

1 Anton & Lawrence

2 Proshansky

3 Mesch & Manor

4 G. Brown

جدی از طرف کارشناسان، شاهد گسترش فضاهای شهری و بلندمرتبه‌سازی در این شهرک پرجمعیت هستیم که در صورت وقوع زمین‌لرزه‌های شدید و فعالیت گسل شمال غرب تبریز، احتمال می‌رود فجایع و صدمات بسیار جبران‌ناپذیری در این قسمت از شهر به وجود آید. از آنجایی که یکی از راهبردهای مقابله و تاب‌آوری مناطق آسیب‌پذیر در برابر مخاطرات، توجه به رفتارهای انسانی و نوع ارتباط انسان‌ها با طبیعت و آموزش و فرهنگ‌سازی است، لذا انتظار می‌رود دستاوردهای تحقیق حاضر بتواند بخشی از این نیاز را برآورده سازد. این تحقیق سعی دارد نقش مشارکت اجتماعی را به‌عنوان یک عامل مهم سرمایه اجتماعی و همچنین دل‌بستگی به مکان را به‌عنوان یک احساس و تعلق عاطفی که در انسان‌ها نسبت به محیط‌زیست شکل می‌گیرد، در میزان آمادگی و احساس مسئولیت در برابر مخاطرات مورد آزمون قرار دهد. به همین دلیل شهرک باغ‌میشه تبریز به‌عنوان یک مورد مشخص مورد نظر قرار گرفته است، اما انتظار می‌رود نتایج تحقیق در موارد مشابه نیز بتواند بخشی از فرایند تاب‌آوری شهرها و کلان-شهرها را در برابر مخاطراتی نظیر زمین‌لرزه و سیل مرتفع سازد.

### تأملی بر ادبیات نظری و تجربی تحقیق

آمادگی در برابر مخاطرات به‌عنوان یک نوع آگاهی و ظرفیت تولیدشده توسط نهادها، اجتماعات و افراد است. این مفهوم فرایندی را نشان می‌دهد که در قالب آن اجتماعات انسانی می‌توانند مخاطرات را پیش‌بینی کنند، برای مقابله با آن‌ها راهبردهای مناسبی را تدارک ببینند و از اثرات آن بیهود یابند، که این امر مستلزم آگاهی و استفاده از ظرفیت‌های مختلف برای کاهش اثرات مخرب این مخاطرات است (وانوس و ولاسکوویز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). تلاش‌های پیشگیرانه در برابر اثرات مخاطرات هم شامل فعالیت‌های تخفیف و هم آمادگی در برابر آن‌ها است. برخی از اندیشمندان و فعالین بین این دو مفهوم تفاوت قائل می‌شوند. آن‌ها معتقدند فعالیت‌های تخفیف در ارتباط با راهبردهای کالبدی و مهندسی بوده و راه‌حل‌های بلندمدت دارند (کولمالا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۶، ۲۰۲۰)، درحالی‌که فعالیت‌های آمادگی بیشتر به آگاهی و فعالیت‌های ظرفیت‌ساز اشاره می‌کنند. برخی دیگر از محققان کلیه فعالیت‌های تخفیف و آمادگی قبل از رویداد را به‌عنوان مفاهیمی

1 Wannous & Velasquez

2 Kulmala

مشابه در نظر می‌گیرند (فیلیپس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶؛ هادوو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). رفتارهای آمادگی در برابر حوادث شامل کلیه اقدامات انجام‌شده برای کاهش تأثیر احتمالی بلایای احتمالی است. در مواقع اضطراری هم جستجوی اطلاعات، انطباق احساسی و اتخاذ اقدامات محافظتی (به‌عنوان مثال تخلیه اضطراری) ویژگی‌های کلی رفتارهای آمادگی در برابر مخاطرات محسوب می‌شوند (لیندل و پررتی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). نهادهای آمادگی در برابر مخاطرات، می‌توانند توسط افراد/خانوارها یا سازمان‌هایی مانند سازمان‌های دولتی (سادیق<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷، ۲۰۱۶) یا شرکت‌های تجاری اتخاذ شوند (ماری<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۹).

در ادبیات روان‌شناسی محیطی در مورد راهبردهای سازگاری با شرایط مخاطره‌آمیز مدل‌های مختلفی وجود دارد که به آمادگی روانی، رفتارهای پیشگیرانه و سازگاری با این شرایط در سطوح فردی و اجتماعی می‌پردازند (هالمن و واندرسمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲). برای مثال رویکردهای استرس محیطی (ایونز و ایستکر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴) بر عوامل زیست‌محیطی و انسانی توجه می‌کنند و سطوح مختلف تحلیل را مطرح می‌کنند (وینکل<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). در یکی از مطالعات نشان داده شده است که احساس مسئولیت در قبال مسائل زیست‌محیطی دلالت مهمی برای آمادگی در برابر مخاطرات آن است (هالمن و واندرسمن<sup>۹</sup>، ۱۹۹۲). چهارچوب اجتماعی-شناختی اهمیت دلبستگی مکانی، انواع اثربخشی و مسئولیت ادراک‌شده میان ذی‌نفعان را در پیش‌بینی رفتار آمادگی در برابر مخاطره برجسته می‌کند اما در مطالعات تجربی این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است (پاتون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۹، ۲۰۰۳).

دلبستگی به مکان مفهومی اساسی است که به‌طور گسترده در مطالعات زیست‌محیطی استفاده می‌شود و در تحقیقات مربوط به خطرات طبیعی بین‌رشته‌ای به‌کار گرفته می‌شود. دلبستگی مکان به پیوندهای عاطفی مردم نسبت به مکان اشاره می‌کند، این دلبستگی اغلب

---

1 Phillips

2 Haddow

3 Lindell & Perry

4 Sadiq

5 Murray

6 Hallman & Wandersman

7 Evans & Stecker, 2004

8 Winkel

9 Hallman & Wandersman

10 Paton

ترکیبی از هویت‌های فردی و جمعی آنها است (لویکا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸؛ لو و آلتمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲). به عبارت دیگر، می‌توان از جنبه‌های مختلف احساسی، محیطی و روان‌شناختی به موضوع مکان نگاه کرد و تعاملات عاطفی و احساسی انسان‌ها نسبت به مکان نقش مهمی در دلبستگی به مکان و تأثیرات مختلف آن دارد (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). در حقیقت، وقتی مردم مجبور می‌شوند از محل زندگی خود جدا شوند، غم و اندوهی را تجربه می‌کنند گویی که افراد یک رابطه مهم اجتماعی را از دست می‌دهند.

به‌طور کلی دو دیدگاه در مورد دلبستگی به مکان وجود دارد: دیدگاه اول دلبستگی به مکان را دارای ابعاد عملکردی و عاطفی می‌داند که اولی به ظرفیت مکان در ترفیع نیازهای انسانی و دومی به احساسات و عواطف آنها در قبال مکان اشاره می‌کند. دیدگاه دوم دلبستگی به مکان را دارای دو بُعد وابستگی به مکان و هویت مکان می‌داند که وابستگی به مکان علاوه بر ظرفیت مکان در تأمین نیازهای انسانی به تجارب و خاطرات انسان‌ها و وابستگی‌های اجتماعی آنها در ارتباط با مکان می‌پردازد، در حالی که هویت مکان بر نقش مکان بر هویت بخشی به انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی تأکید می‌کند (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

در ادبیات مفاهیم مختلفی از قبیل: هویت مکانی، وابستگی مکانی، حس مکان و ریشه‌دار بودن (استدمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲) برای این ارتباط عاطفی مطرح شده است. به‌رغم این مفهوم‌سازی مختلف، اغلب پژوهشگران پذیرفته‌اند که دلبستگی مکانی شامل جنبه‌های کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، نمادی و روانی است (رلف<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶). اسکائل و گیفورد<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) عنوان می‌کنند که دلبستگی مکانی دارای سه بُعد به هم مرتبط یعنی فرد (که معانی را به‌طور فردی یا جمعی مورد استفاده قرار می‌دهد)، فرایندهای روان‌شناختی (عاطفی، شناختی و رفتاری) و مکان (نمادهای زیست محیطی و معانی اجتماعی، محیط کالبدی طبیعی و مصنوع) است. این چهارچوب سه‌وجهی از این نظر دارای اهمیت است که می‌توان از آن برای فهم دلبستگی مکانی در حالت کلی و تأثیر آن بر رفتارهای مرتبط با مکان استفاده کرد.

در مورد اثرات دلبستگی به مکان در درک خطر و آمادگی در برابر آنها در زمینه‌های مختلف فرهنگی و مخاطره در مطالعات موجود دلالت‌های متفاوتی وجود دارد. بررسی بونیتو<sup>۶</sup>

1 Lewicka

2 Low & Altman

3 Stedman

4 Relph

5 Scannell and Gifford

6 Bonaiuto

از ۳۱ مطالعه همبستگی بین دل‌بستگی به مکان و درک مخاطرات طبیعی نشان داد که بین دل‌بستگی به مکان و رفتارهای مقابله‌ای با خطر رابطه مثبت و منفی وجود دارد (بنیتو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶) در مطالعه‌ای که در مورد نگرش شهروندان نسبت به توسعه نیروگاه‌های آبی در نروژ انجام شد مشخص شد بین دل‌بستگی به مکان و نگرش شهروندان نسبت به توسعه این نیروگاه‌ها ارتباط وجود دارد. این ارتباط به این شکل بود که کسانی که دل‌بستگی قوی‌تری نسبت به مکان داشتند، نگرش مخالف نسبت به توسعه این نیروگاه‌ها داشتند (ورکین و ریاس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). علاوه‌براین، دل‌بستگی به مکان می‌تواند بر رفتارهای مقابله‌ای به روش‌های مختلف، مستقیم یا غیرمستقیم، به‌عنوان نقش تعدیل‌کننده یا واسطه تأثیر بگذارد (میشرا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ آدی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹؛ بیتو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). دل‌بستگی مکانی می‌تواند احساسات شخصی افراد را به سمت اقدامات عملی سوق دهد که از خود و اجتماعاتشان محافظت می‌کند (آدی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹). این پیش‌فرض در مطالعه<sup>۵</sup> می‌شرا و همکاران (۲۰۱۰) در ارتباط با آمادگی در برابر سیل در هند و تا حدودی در مورد خرید بیمه حوادث توسط چینی‌ها در پژوهش ژو و همکاران (۲۰۱۸) مورد تأیید قرار گرفته است. اثر دل‌بستگی به مکان بر تصورات انسان‌ها از مخاطرات و اقدامات مرتبط با آن‌ها ممکن است تحت تأثیر متغیرهای مداخله‌گر مختلفی همچون مدت‌زمان حضور یا آشنایی با مکان باشد (رتنام<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین ممکن است تحت تأثیر متغیرهایی از قبیل: زمینه‌های محیطی یا نوع دل‌بستگی به مکان باشد. برای مثال در مطالعه‌ای که در مورد آمادگی در برابر مخاطره آتش‌سوزی در استرالیا انجام گرفت مشخص شد که دل‌بستگی به مکان فقط در مناطق روستایی تأثیر مثبتی بر آمادگی در برابر مخاطره داشته است، درحالی‌که در مناطق شهری چنین ارتباطی دیده نشده است (آنتون و لاورنس<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵).

باوجوداین، دل‌بستگی به مکان ممکن است به طور قابل‌توجهی به دست‌کم گرفتن خطرات احتمالی (گیفورد<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۹)، عدم تمایل به جابه‌جایی، یا احتمال بازگشت به مناطق

1 Bonaiuto

2 Vorkinn &amp; Riese

3 Mishra

4 Adie

5 Bonaiuto

6 Adie

7 Ratnam

8 Anton &amp; Lawrence

9 Gifford



خطرناک پس از یک فاجعه طبیعی منجر شود (بنیتو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶؛ سواین و سدکیو<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). علاوه بر عوامل شناختی و عاطفی که به سبب ایجاد آگاهی و تولید عواطف مثبت نسبت به مکان، می‌تواند ظرفیت لازم برای حس مسئولیت‌پذیری و آمادگی در برابر مخاطرات را افزایش دهند، برای فعلیت‌بخشی به این ظرفیت‌ها هر اجتماعی نیازمند راهبردهای عملی و رفتاری است. بخش مهمی از این اقدامات عملی می‌تواند به واسطه ظرفیت‌های اجتماعی از قبیل: تقویت سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت‌های مدنی صورت پذیرد. از این‌رو توجه به مشارکت‌های اجتماعی و نقش آن در ایجاد آمادگی‌های رفتاری در برابر بلایا و مخاطرات یک اصل بسیار مهم محسوب می‌شود. دلبستگی به مکان معمولاً با مشارکت مدنی در ارتباط بوده است که به عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود (پالمر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ پوتنم<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ استفنیاک<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). البته در مورد سازوکارهای تأثیرگذاری دلبستگی مکانی بر میزان مشارکت مدنی تبیین‌های مختلفی در ادبیات نظری وجود دارد. به عنوان مثال از نظر لویکا (۲۰۰۵، ۲۰۱۳) دانستن تاریخ یک مکان نقش مهمی در افزایش دلبستگی نسبت به آن و مشارکت مدنی دارد. همچنین اعتماد تعمیم‌یافته اجتماعی یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار می‌تواند باشد. به این معنی که افرادی که اطلاعات بیشتری در مورد تاریخ مکان دارند حس اعتماد بیشتری نسبت به آن مکان دارند و این حس می‌تواند در میزان مشارکت آن‌ها تأثیرگذار باشد (استفنیاک و بلویچز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶).

مشارکت مدنی در اشکال مختلفی قابل تعریف است و فرایندهایی را شامل می‌شود که دامنه آن‌ها از تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و بهبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی و رهبری تا رفتارهای عملی از قبیل: فعالیت‌های داوطلبانه را شامل می‌شود. در این نوشته منظور از مشارکت مدنی شکل محدودتر آن و به معنی کنش‌هایی که انسان‌ها برای حل مسائل محله و بهبود شرایط زندگی ساکنین محله انجام می‌دهند، مورد استفاده قرار گرفته است (لنزی<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). در این حالت، مشارکت مدنی شامل منابع مهمی است که یک اجتماع در اختیار دارد که اشکال

1 Bonaiuto

2 Swapan &amp; Sadeque

3 Palmer

4 Putnam

5 Stefaniak

6 Stefaniak &amp; Bilewicz

7 Lenzi

مختلفی از قبیل: کارهای داوطلبانه، مشارکت در امور اجتماعی یا اهدای زمان و پول خود برای منافع عمومی را به خود می‌گیرد (لویکا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). مشارکت فرایندی است که طی آن فرد از طریق احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن به‌طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می‌زند (نعیمی نظم‌آباد و همکاران، ۱۳۹۴).

راهبردهای مقابله جمعی با تمسک به شبکه‌های اجتماعی و نهادهای مدنی یک راهبرد مناسب برای مقابله با حوادث طبیعی و ظرفیت‌سازی برای بهبودی از اثرات آن بوده است (ادیلستین و واندرسمن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷). حس انسجام اجتماعی (پرتی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۳) و سرمایه اجتماعی (بورديو، ۱۹۸۳؛ کلومن، ۱۹۸۸؛ پوتمن، ۲۰۰۰) عوامل مهمی برای توسعه و محافظت از اجتماعات محسوب می‌شوند (منزو و پرکینز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعه سرمایه اجتماعی محلی و مشارکت‌های مدنی دلبستگی به مکان است. انسان‌هایی که دلبستگی بیشتری به مکان سکونت خود دارند روابط بهتر و گسترده‌تری با هم‌محلّی‌های خود داشته و نسبت به آن‌ها اعتماد بیشتری دارند (لویکا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). داشتن حس تعلق به ایجاد حس داشتن سرنوشت مشترک منجر می‌شود، حسی که از نظر روان‌شناسی موجب ایجاد همکاری، تعاون و مشارکت در میان اعضای یک گروه و جامعه می‌شود (نعیمی نظم‌آباد و همکاران، ۱۳۹۴). دلبستگی به مکان همچنین ارتباط با واسطه و بی‌واسطه‌ای با مشارکت‌های مدنی دارد. مشارکت مدنی یعنی تمایل انسان‌ها برای اختصاص زمان به فعالیت‌هایی که در نهایت منافع آن به همگان خواهد رسید (لویکا، ۲۰۰۵). هرچه دلبستگی انسان‌ها به مکان بیشتر باشد، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های محافظت‌کننده از آن مکان خواهند داشت (واکر و ریان<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸؛ بوت<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۴؛ هالپنی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰). بنابراین می‌توان گفت دلبستگی به مکان علاوه بر تأثیر مستقیم بر آمادگی در برابر مخاطرات به شکلی غیرمستقیم از طریق افزایش ظرفیت مشارکت مدنی نیز می‌تواند در این

1 Lewicka

2 Edelstein & Wandersman

3 Pretty

4 Manzo & Perkins

5 Lewicka

6 Lewicka

7 Walker & Ryan

8 Buta

9 Halpenny

امر دخیل باشد. به عبارتی مشارکت مدنی به عنوان یک متغیر واسطه‌ای می‌تواند ارتباط علی بین دل‌بستگی به مکان و آمادگی در برابر مخاطرات طبیعی را ایجاد کند. البته باید یادآور شد که ارتباط بین دل‌بستگی به مکان و مشارکت‌های مدنی همیشه به روشنی و وضوحی که مطرح شد نیست، بلکه عوامل مختلفی مانند قدرت پیوندهای محلی و سرمایه‌های فرهنگی نیز می‌توانند در تعدیل یا تقویت این ارتباط مؤثر باشد (لویکا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) و به همین دلیل می‌توان گفت دل‌بستگی به مکان پیش از آنکه به رفتارهای واقعی در قبال مکان منجر شود، در ایجاد نگرش و تفکرات نسبت به آن مکان دخیل خواهد بود. البته در راستای مدل رفتار برنامه‌ریزی شده<sup>۲</sup> می‌توان انتظار داشت که در نهایت چنین نگرش‌هایی به رفتارهایی متناظر منجر شود (آجنز<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱).

مشارکت مدنی نه فقط به عنوان واسطه ارتباط بین دل‌بستگی به مکان و آمادگی در برابر مخاطرات، بلکه به عنوان یک ظرفیت اجتماعی مستقل می‌تواند در آمادگی در برابر مخاطرات و بلايا تأثیرگذار باشد (کلوکی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) بر نقش سرمایه‌های اجتماعی و در رأس آن مشارکت مدنی در بهسازی شهری تأکید می‌کنند و رهنما و رضوی (۱۳۹۱) به تأثیر متقابل این دو عامل بر یکدیگر در شهر مشهد اشاره می‌کنند. نقدی و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان می‌دهند سرمایه‌های اجتماعی یک مکان تأثیر معناداری در فرایند دل‌بستگی مکانی افراد نسبت به محله‌های مورد مطالعه دارد. در این روند و در فرایند دل‌بستگی به مکان چهار عنصر انسان، مکان، ارزش‌های اجتماعی مکان و زمان، به عنوان بُعد چهارم نقش مؤثری را می‌توانند در طراحی و ارتقای دل‌بستگی افراد به محلات شهری داشته باشند. این ظرفیت‌های اجتماعی می‌توانند توان و واکنش‌پذیری جوامع را در برابر مخاطرات ارتقاء بخشیده و بهبود و ترمیم‌پذیری آن‌ها را بهتر کنند. این ظرفیت‌های اجتماعی می‌توانند از طریق افزایش ارتباطات و گسترش آگاهی‌های اجتماعی حمایت‌های عمومی در برابر مخاطرات را به کار انداخته و آمادگی انسان‌ها را در برابر این مخاطرات ارتقاء بخشند (سنکیونی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). پیش فرضی که در اینجا مطرح می‌شود این است که سطوح بالای مشارکت محلی می‌تواند میزان مسئولیت‌پذیری و آمادگی در برابر مخاطرات را افزایش دهد. مشارکت اجتماعی از طریق به اشتراک‌گذاری اطلاعات و آگاهی بخشی

---

1 Lewicka

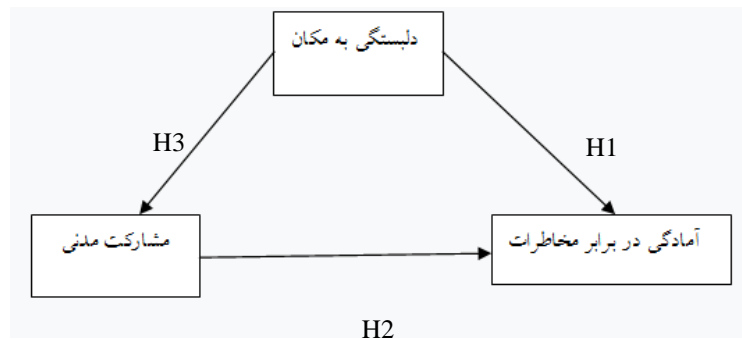
2 Planned behavior

3 Ajzen

4 Kuhlicke

5 Sanquini

نیز می‌تواند به توسعه آمادگی در برابر مخاطرات کمک کند (چیو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). البته نتایج مطالعه علاءالدینی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد مشارکت مدنی در بازسازی مناطق آسیب‌دیده، دارای موانعی از قبیل: نبود سازوکار مشخص برای مدیریت و توزیع کمک‌های مردمی، آگاهی ناکافی شهروندان از فرایند دریافت تسهیلات، مشارکت کم بهره‌بران و شکل‌گیری فرهنگ انتظار است که میزان تأثیرگذاری مشارکت مدنی را در مقابله و تعدیل اثرات بحران‌ها به انحراف می‌کشد. با توجه به مطالب ذکر شده مدل مفهومی را می‌توان ترسیم کرد که در شکل شماره (۱) این مدل نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مقدمه، مبانی نظری و مدل مفهومی مطرح شده، فرضیه‌های تحقیق را می‌توان به شکل زیر مطرح کرد:

- فرضیه ۱: دلبستگی به مکان پیش‌بینی‌کننده تغییرات در آمادگی در برابر مخاطرات است.  
 فرضیه ۲: مشارکت مدنی پیش‌بینی‌کننده تغییرات در آمادگی در برابر مخاطرات است.  
 فرضیه ۳: مشارکت مدنی نقش میانجی‌گر در ارتباط بین دلبستگی به مکان و آمادگی در برابر مخاطرات دارد.

### روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی بوده و از آنجایی که در این پژوهش زمینه و ارتباط بین متغیرها مورد نظر بوده است لذا می‌توان آن را از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قلمداد

کرد. برای تحلیل اطلاعات از ماتریس کوواریانس‌ها بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را تمام ساکنین بالای ۱۸ سال شهرک باغ‌میشه تشکیل می‌دهند. جمعیت این محله حدوداً ۴۵ هزار نفر است (محمدزاده، ۱۳۸۹) که بر اساس جدول مورگان ۳۸۱ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که برای انتخاب آن‌ها از راهبرد خوشه‌ای استفاده شد. در نهایت به دلیل مخدوش بودن برخی اطلاعات جمع‌آوری‌شده، اطلاعات تعداد ۳۶۴ نفر از افراد نمونه مورد استفاده قرار گرفت.

جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه حضوری بر مبنای پرسشنامه‌های استاندارد انجام شد. بر اساس مطالعات قبلی (وو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ هان<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ هونگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۹) ۱۷ سؤال در مورد میزان آمادگی پاسخ‌گویان برای مقابله با مخاطرات مشخص شده بود. از این تعداد، هفت سؤال مربوط به آمادگی فیزیکی خانوارها در برابر مخاطرات بود که شامل لوازم و ضروریات اولیه از قبیل: فراهم بودن «غذا، آب، چراغ‌قوه، جعبه کمک‌های اولیه، رادیو، دارو، ابزارهای ضروری» بوده است. ۶ سؤال بعدی در مورد آمادگی رفتاری خانوارها شامل: «داشتن یک برنامه برای مواقع اضطراری در درون خانوار»، «پیگیری مداوم اخبار و اطلاعات مخاطرات»، «خرید بیمه حوادث برای اعضای خانوار»، «شرکت در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای شرایط اضطراری»، «بحث با دوستان و اعضای خانواده در مورد شیوه مدیریت و مواجهه با شرایط مخاطره‌آمیز»، و «فعالیت‌های داوطلبانه در تیم‌های مواجهه با شرایط مخاطره‌آمیز از قبیل هلال‌احمر و ..» بود. ۴ سؤال آخر در مورد آمادگی شناختی بود که شامل «نحوه کمک گرفتن از دوستان و آشنایان»، «نحوه کمک گرفتن از سازمان‌های دولتی»، «نزدیک‌ترین پناهگاه اضطراری» و «خروج اضطراری از محل مخاطره» بوده است.

با تأسی از کار هان<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۷) برای سنجش دل‌بستگی به مکان از دو گویه استفاده شد که عبارتند از: (۱) «من نسبت به محله خود احساس تعلق خاطر دارم» و (۲) «بسیار افتخار می‌کنم وقتی در مورد محل زندگی خودم با دیگران حرف می‌زنم». با اقتباس از کار پرادهانانگا و داونپورت (۲۰۱۷) ۵ سه گویه برای سنجش مشارکت مدنی در نظر گرفته شد که عبارتند از:

1 Wu

2 Han

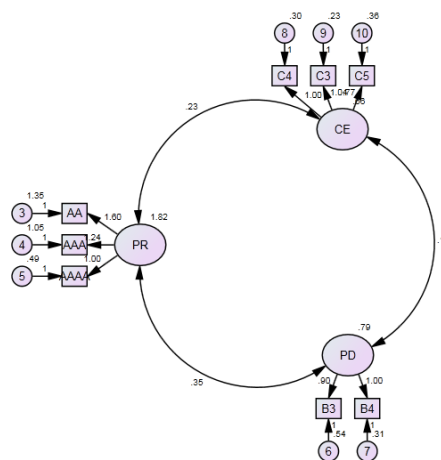
3 Hong

4 Han

5 Pradhananga &amp; Davenport

«همکاری با هم‌محله‌ای برای حل مسائل محله»، «بحث و تبادل نظر با هم‌محله‌ای در مورد امور مربوط به محله» و «مشارکت داوطلبانه در رسیدگی به مشکلات محله». مقادیر آلفای کرونباخ همه شاخص‌ها که در جداول ۶-۲ نشان داده شده است حاکی از پایداری مناسب ابزار جمع‌آوری اطلاعات است.

به منظور ارزیابی اعتبار ابزار تحقیق، از اعتبار سازه‌ای که با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی محاسبه شد، بهره بردیم، که نتایج آن در شکل شماره (۲) و جدول شماره (۱) نشان داده شده است. در شکل (۲) سه متغیر PR (آمدگی در برابر مخاطره)، PD (دلبستگی به مکان) و CE (مشارکت مدنی) نشان داده شده است، که همبستگی این متغیرها با خطوط دو سر خمیده نشان داده شده است. اشکال مربع در این شکل بیانگر شاخص‌های مرتبط با هر متغیر است و خطوط راست یک‌طرفه که متغیرها را به شاخص‌های مربوطه متصل می‌کند، بیانگر ضرایب عاملی است که بر اساس این ضرایب اعتبار سازه‌ای آن متغیر مشخص می‌شود. هرچقدر این ضرایب بیشتر باشد (بالتر از ۰/۷) بیانگر اعتبار مناسب آن‌ها است.



شکل ۲. برونداد تحلیل عاملی تأییدی

ضرایب عاملی را در جدول شماره (۱) بهتر می‌توان مشاهده کرد. همان‌طور که ضرایب رگرسیونی استاندارد نشان می‌دهد همه این ضرایب بالای ۰/۷۰ بوده و مقدار P همه آن‌ها با علامت \*\*\* نشان داده شده است، که به معنای این است که همه روابط در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ / معنی‌دار است.

جدول ۱. نتیجه تحلیل عاملی تأییدی

P	ضرایب رگرسیونی استاندارد	برآورد رگرسیونی	
	۰/۸۸۷	۱/۰۰۰	آمادگی در برابر مخاطره <---> AAAA
***	۰/۸۵۲	۱/۲۳۹	آمادگی در برابر مخاطره <---> AAA
***	۰/۸۷۹	۱/۵۹۶	آمادگی در برابر مخاطره <---> AA
	۰/۸۲۹	۱/۰۰۰	مشارکت مدنی <---> C4
***	۰/۸۶۷	۱/۰۳۹	مشارکت مدنی <---> C3
***	۰/۷۲۲	۰/۷۶۷	مشارکت مدنی <---> C5
	۰/۸۵۰	۱/۰۰۰	دلبستگی به مکان <---> B4
***	۰/۷۴۰	۰/۹۰۳	دلبستگی به مکان <---> B3

### یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان داد از میان ۳۶۴ نمونه که اطلاعات آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند، تعداد ۱۴۵ نفر زن و ۲۱۹ نفر مرد بودند. ۱۵۴ نفر از پاسخ‌گویان مجرد و ۲۱۰ نفر متأهل بودند. میانگین سن پاسخ‌گویان ۳۲/۷۴ سال بوده است. ۱۷۹ نفر از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم و مدرک تحصیلی ۱۸۵ نفر بالای دیپلم بوده است. مدت‌زمان سکونت در محل نیز به‌طور متوسط ۱۸ سال بوده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی آمادگی فیزیکی

	خیر		بلی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
غذا	۱۸۱	۵۰/۳	۱۸۳	۴۹/۷
آب	۱۹۱	۴۷/۵	۱۷۳	۵۲/۵
چراغ‌قوه	۱۹۵	۴۶/۴	۱۶۹	۵۳/۶
جعبه کمک‌های اولیه	۲۴۸	۳۱/۹	۱۱۶	۶۸/۱
راديو	۲۰۹	۴۲/۶	۱۵۵	۵۷/۴
دارو	۲۱۰	۴۲/۳	۱۵۴	۵۷/۷
موارد ضروری	۲۴۴	۳۳	۱۲۰	۶۷
میانگین درصدها		۴۲		۵۸
مقدار آلفای کرونباخ			۰/۸۴	

نتایج پژوهش نشان داد میزان آمادگی فیزیکی پاسخ‌گویان برای مواجهه با مخاطرات در حد متوسط است. این موضوع را می‌توان با توجه به ارقام جدول شماره (۲) درک کرد، که نشان می‌دهد به‌طور تقریبی میزان آمادگی فیزیکی پاسخ‌گویان ۴۲ درصد است. در واقع ۵۸ درصد از پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که در تهیه لوازم فیزیکی به‌منظور مقابله با بلایا اقدامی نکرده‌اند و آمادگی لازم را ندارند. از این یافته‌ها می‌توان این‌گونه استنباط کرد که در فرهنگ مادی ساکنین شهرک باغ‌میشه آمادگی فیزیکی و گنجاندن لوازم ضروری برای مقابله و تاب‌آوری در برابر بلایا و مخاطرات جایگاه خیلی مستحکمی ندارد و شاید بتوان دلایل آن را در عوامل اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی از قبیل: کوچک‌تر شدن سبد خانوارهای شهری به‌واسطه مشکلات اقتصادی یا نگرش نادرست آن‌ها نسبت به نزدیک بودن مخاطرات جستجو کرد.

جدول ۳. توزیع فراوانی آمادگی رفتاری

خیر		بلی		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۴/۱	۱۹۷	۴۵/۹	۱۶۷	داشتن یک برنامه برای مواقع اضطراری در درون خانوار
۳۰/۲	۱۱۰	۶۹/۸	۲۵۴	پیگیری مداوم اخبار و اطلاعات مخاطرات
۵۳/۳	۱۹۴	۴۶/۷	۱۷۰	خرید بیمه حوادث برای اعضای خانوار
۵۰/۳	۱۸۳	۴۹/۷	۱۸۱	شرکت در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای شرایط اضطراری
۲۹/۱	۱۰۶	۷۰/۹	۲۵۸	بحث با دوستان و اعضای خانواده در مورد شیوه مدیریت و مواجهه با شرایط مخاطره‌آمیز
۵۴/۴	۱۹۸	۴۵/۶	۱۶۶	فعالیت‌های داوطلبانه در تیم‌های مواجهه با شرایط مخاطره‌آمیز از قبیل: هلال‌احمر و ..
۴۵		۵۵		میانگین درصدها
۰/۷۶				مقدار آفای کرونباخ

نتایج مربوط به آمادگی رفتاری نشان می‌دهد هرچند نسبت به آمادگی فیزیکی میزان آمادگی رفتاری در بین ساکنین شهرک باغ‌میشه بیشتر است و ۵۵ درصد از ساکنین در بُعد رفتاری آمادگی لازم را برای مواجهه با مخاطرات دارند، اما فقدان آمادگی ۴۵ درصدی نیز مقدار قابل‌ملاحظه‌ای است که نیازمند توجه است. این موضوع به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم



میزان زیادی از آمادگی رفتاری مربوط به رفتارهای انفعالی از قبیل: پیگیری اخبار و اطلاعات و بحث با دوستان و آشنایان می‌شود، در حالی که در رفتارهای فعالانه‌ای از قبیل: فعالیت‌های داوطلبانه و داشتن برنامه مشخص برای مقابله با مخاطرات هنوز هم شهروندان آمار امیدوارکننده‌ای از خود نشان نمی‌دهند و هنوز هم بخش قابل توجهی از شهروندان دارای بیمه حوادث نیستند.

جدول ۴. توزیع فراوانی آمادگی شناختی

خبر		بلی		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۷/۴	۱۳۶	۶۲/۶	۲۲۸	نحوه کمک گرفتن از دوستان و آشنایان
۴۲/۹	۱۵۶	۵۷/۱	۲۰۸	نحوه کمک گرفتن از سازمان‌های دولتی
۵۲/۵	۱۹۱	۴۷/۵	۱۷۳	نزدیک‌ترین پناهگاه اضطراری
۲۹/۱	۱۰۶	۷۰/۹	۲۵۸	خروج اضطراری از محل مخاطره
۴۰		۶۰		
۰/۷۹				مقدار آلفای کرونباخ

در مورد آگاهی شناختی نسبت به دو نوع آگاهی فیزیکی و رفتاری وضعیت آمادگی شهروندان شهرک باغ‌میشه بهتر است. ۶۰ درصد از پاسخگویان به لحاظ شناختی خود را آماده مقابله با مخاطرات دانسته‌اند و این مسئله نشان می‌دهد پاسخگویان به لحاظ بینش و آگاهی وضعیت نسبتاً مناسبی در مورد مقابله با مخاطرات دارند و آمار نسبتاً پایین در آمادگی و فیزیکی و رفتاری بیانگر شکافی است که در ارزیابی عینی و دستاوردهای عینی آن در عمل شهروندان نمایان می‌شود.

جدول ۵. توزیع فراوانی دل‌بستگی به مکان

زیاد		متوسط		کم		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۲/۱	۴۴	۳۰/۵	۱۱۱	۵۷/۴	۲۰۹	احساس تعلق خاطر
۱۵/۴	۵۶	۲۷/۲	۹۹	۵۷/۴	۲۰۹	احساس غرور و افتخار

نتایج مربوط به دل‌بستگی مکانی بیانگر احساس دل‌بستگی نسبتاً متوسط نسبت به مکان است. میانگین احساس دل‌بستگی به مکان در بین پاسخ‌گویان ۶/۵۳ از ۱۰ امتیاز ممکن و انحراف

استاندارد آن ۱/۹۳ بوده است. میزان تعلق خاطر ۵۷/۴ درصد از پاسخ‌گویان کم، ۳۰/۵ درصد متوسط و ۱۲/۱ درصد زیاد بوده است. میزان حس غرور و افتخار ۵۷/۴ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم، ۲۷/۲ درصد در حد متوسط و ۱۵/۴ درصد زیاد بوده است. شاید دلیل دل‌بستگی نه‌چندان مطلوب شهروندان نسبت به این محله ناشی از تغییرات بسیار محسوسی است که در دو دهه اخیر در کالبد و ترکیب جمعیتی این شهرک به وجود آمده است و این شهرک را به محل سکونت قشرهای متوسط جامعه که عمدتاً یا از شهرهای کوچک‌تر برای اشتغال ترک کرده‌اند یا از محلات دیگر به این منطقه مهاجرت کرده‌اند، تبدیل کرده است.

جدول ۶. توزیع فراوانی مشارکت مدنی

زیاد		متوسط		کم		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷۴/۸	۲۷۲	۱۷	۶۲	۸/۲	۳۰	همکاری با هم‌محله‌ای برای حل مسائل محله
۷۸/۲	۲۶۵	۱۹	۶۹	۲/۸	۳۰	بحث و تبادل نظر با هم‌محله‌ای در مورد امور مربوط به محله
۷۹/۱	۲۸۸	۱۶/۲	۵۹	۴/۷	۱۷	مشارکت داوطلبانه در رسیدگی به مشکلات محله

مشارکت مدنی یکی دیگر از متغیرهای اصلی تحقیق است که با سه گویه مورد سنجش قرار گرفت. در جدول شماره (۶) توزیع فراوانی این گویه‌ها نشان داده شده است. نتایج حاکی از مشارکت بالای پاسخ‌گویان در امور مدنی است. میانگین مشارکت مدنی ۱۲/۴۳ از ۱۵ نمره ممکن و انحراف استاندارد آن ۲/۳۳ است. در این جدول مشخص است که ۸/۲ درصد از پاسخ‌گویان همکاری کمی با هم‌محله‌ای‌ها برای حل مشکلات محله دارند، میزان همکاری ۱۷ درصد از پاسخ‌گویان در حد متوسط و میزان همکاری ۷۴/۸ درصد از آن‌ها در حد زیاد بوده است. ۲/۸ درصد از پاسخ‌گویان همکاری کمی در بحث و تبادل نظر در مورد امور محله دارند، میزان همکاری ۱۹ درصد از پاسخ‌گویان در حد متوسط و میزان همکاری ۷۸/۲ درصد از آن‌ها در حد زیاد بوده است. ۴/۷ درصد از پاسخ‌گویان مشارکت کمی در فعالیت‌های داوطلبانه مربوط به محله دارند، میزان مشارکت ۱۶/۲ درصد از پاسخ‌گویان در حد متوسط و میزان مشارکت ۷۹/۱ درصد از آن‌ها در حد زیاد بوده است.

جدول ۷. ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

		آمادگی فیزیکی	آمادگی رفتاری	آمادگی شناختی	دل‌بستگی به مکان	مشارکت مدنی
آمادگی فیزیکی	Pearson Correlation	۱				
	Sig. (2-tailed)					
آمادگی رفتاری	Pearson Correlation	.۷۵۵**	۱			
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰				
آمادگی شناختی	Pearson Correlation	.۷۷۹**	.۷۵۲**	۱		
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰			
دل‌بستگی به مکان	Pearson Correlation	.۱۹۲**	.۲۰۰**	.۲۷۲**	۱	
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰		
مشارکت مدنی	Pearson Correlation	.۱۹۷**	.۱۷۵**	.۱۷۰**	.۱۴۱	۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۱	.۰۰۱	.۰۰۷	

میزان همبستگی متغیرهای تحقیق به‌عنوان یک آزمون مهم به‌منظور ارزیابی ارتباط آن‌ها از طریق آزمون همبستگی پیرسون مورد محاسبه قرار گرفت، که نتایج آن در جدول شماره (۷) نشان داده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد معیار آمادگی فیزیکی با آمادگی رفتاری دارای همبستگی به میزان ۰/۷۵، معیار آمادگی فیزیکی با آمادگی شناختی دارای همبستگی به میزان ۰/۷۸، معیار آمادگی رفتاری با آمادگی شناختی دارای همبستگی به میزان ۰/۷۵، معیار آمادگی فیزیکی با دل‌بستگی به مکان دارای همبستگی به میزان ۰/۱۹، معیار آمادگی رفتاری با دل‌بستگی به مکان دارای همبستگی به میزان ۰/۲۰، معیار آمادگی شناختی با دل‌بستگی به مکان دارای همبستگی به میزان ۰/۲۷، معیار آمادگی فیزیکی با مشارکت مدنی دارای همبستگی به میزان ۰/۲۰، معیار آمادگی رفتاری با مشارکت مدنی دارای همبستگی به میزان ۰/۱۷، معیار آمادگی شناختی با مشارکت مدنی دارای همبستگی و متغیرهای دل‌بستگی به مکان و مشارکت مدنی دارای همبستگی به میزان ۰/۱۴ هستند.

جدول ۸. نتایج ارتباط ساختاری متغیرها

	ضریب رگرسیونی استاندارد	برآورد رگرسیونی	P
CE <--- PD	۰/۰۶۰	۰/۱۳۵	۰/۰۲۵
PR <--- PD	۰/۱۰۶	۰/۳۹۶	***
PR <--- CE	۰/۰۹۷	۰/۲۸۲	۰/۰۰۴

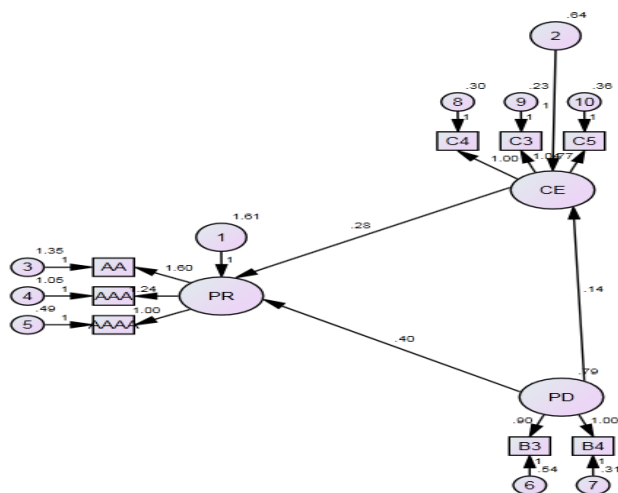
ضرایب رگرسیونی استاندارد در این جدول بیانگر اثرات خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یا قدرت پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته توسط تغییرات متغیر مستقل است. برآوردهای رگرسیونی بیانگر میزان تأثیر ناخالص و P بیانگر سطح معنی‌داری تأثیرات متغیرهای مستقل در وابسته است. نتایج حاکی از تأیید فرضیه اول است. مدل‌سازی ساختاری نشان می‌دهد به‌ازای هر واحد افزایش یا کاهش در دل‌بستگی به مکان به میزان ۰/۱۰۶ بر آمادگی در برابر مخاطرات افزوده یا از آن کاسته می‌شود. همچنین فرضیه دوم تأیید شده است، چراکه این آزمون نشان می‌دهد به‌ازای هر واحد افزایش یا کاهش در مشارکت مدنی به میزان ۰/۰۹۷ بر آمادگی در برابر مخاطرات افزوده یا از آن کاسته می‌شود. در نهایت نتیجه آزمون مدل‌سازی ساختاری بیانگر تأیید فرضیه سوم است و نشان می‌دهد به‌ازای هر واحد افزایش یا کاهش در دل‌بستگی به مکان به میزان ۰/۰۶۰ بر مشارکت مدنی افزوده یا از آن کاسته می‌شود.

جدول ۹. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

GFI	AGFI	NFI	RFI	IFI	TLI	CFI	RMSE
۰/۹۷۸	۰/۹۵۳	۰/۹۷۷	۰/۹۶۳	۰/۹۸۹	۰/۹۸۲	۰/۹۸۹	۰/۰۵

شاخص‌های نیکویی برازش به‌عنوان شاخصی که بیانگر میزان سازگاری مدل نظری طرح‌شده توسط محقق با داده‌های تجربی است، یکی از معیارهای مهم برای ارزیابی نتایج تحقیق است. برای ارزیابی برازش مدل شاخص‌های مختلفی وجود دارد که برخی از معمول‌ترین آن‌ها در جدول شماره (۹) نشان داده شده است. بر اساس برخی نوشته‌ها معیارهایی برای پذیرش این شاخص‌ها مطرح شده است (حیبی و عدن‌ور، ۱۳۹۶). این معیار برای شاخص‌های CFI، TLI، IFI، RFI، NFI، AGFI و GFI ۰/۹۰ و بالاتر و برای شاخص RMSEA ۰/۰۵ و پایین‌تر است. بر اساس همین معیارها نتایج جدول شماره (۹) نشان می‌دهد

مدل ساختاری دارای برازش مناسبی با داده‌های تجربی است، چراکه همه شاخص‌های نیکویی برازش در حد قابل قبول (بالتر از ۰/۹۰) قرار داشته و میزان شاخص RMSEA نیز در حد قابل قبول ۰/۰۵ است.



شکل ۳. برون‌داد مدل ساختاری پژوهش

### بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با استفاده از اطلاعات مربوط به محله باغ‌میشه در تبریز که به دلیل قرار گرفتن بر روی گسل تبریز و موقعیت کوهستانی خود که امکان آسیب‌پذیری آن را در برابر حوادث طبیعی از قبیل: سیل و زلزله بیشتر می‌کند، سعی کرده تا ارتباط بین متغیرهای اجتماعی و محیطی از قبیل: دل‌بستگی به مکان، مشارکت مدنی و آمادگی در برابر مخاطرات را مطالعه کند. نتایج پژوهش نشان داد سه متغیر پژوهش نه تنها ارتباط همبستگی معنی‌داری با یکدیگر دارند، بلکه ارتباط علی متغیرها که در قالب یک مدل مفهومی طرح شده بود نیز معنادار بوده و مدل نظری با داده‌های تجربی انطباق و برازش مطلوبی دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر حکایت از ارتباط معنی‌دار دل‌بستگی به مکان با تمامی ابعاد آمادگی (آمادگی فیزیکی، آمادگی رفتاری و آمادگی شناختی) در برابر مخاطرات دارد، که این یافته تأییدکننده فرضیه اول پژوهش است و با یافته‌های پژوهش‌های قبلی از قبیل: پژوهش میسر و همکاران (۲۰۱۰) در ارتباط با آمادگی در برابر حادثه سیل در هند، با پژوهش ژو و همکاران

(۲۰۱۸) در ارتباط با آمادگی در برابر رانش زمین در چین و همچنین با نتایج پژوهش آنتون و لارنس (۲۰۱۵) در ارتباط با آمادگی در برابر آتش‌سوزی در استرالیا همخوانی دارد. اما در مقایسه با یافته‌های پژوهش مارشال و همکاران (۲۰۱۴) در ارتباط با انطباق با تغییرات اقلیمی در استرالیا تطابق نشان نمی‌دهد و شاید علت این عدم تطابق در شاخص‌سازی و سنجش متفاوت دلبستگی به مکان در دو پژوهش باشد. از آنجایی که در پژوهش حاضر ابعاد مختلف دلبستگی به مکان از قبیل: هویت مکان، وابستگی به مکان، کیفیت محله در سنجش دلبستگی به مکان مورد استفاده نبوده‌اند، بنابراین ممکن است دلبستگی به مکان به دلیل ایجاد پیوند عاطفی انسان با مکان آن‌ها را نسبت به عدم خروج از مکان و ترک نکردن آن حتی در مواقع مخاطره هم ترغیب کند. یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر که دلالت بر تأیید فرضیه دوم پژوهش دارد، ارتباط معنی‌دار بین مشارکت مدنی و آمادگی در برابر مخاطرات است. در این یافته می‌توان نقش مشارکت مدنی را به‌عنوان یکی از معیارهای مهم انسجام اجتماعی در ارتقای توانمندی‌های جامعه در برابر مخاطرات مشاهده کرد. مشارکت مدنی هم به‌صورت مستقیم از طریق ارائه حمایت‌های لازم به آسیب‌دیدگان یا برنامه‌های پیشگیری از مخاطرات و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق آگاهی‌بخشی و اشتراک اطلاعات لازم در مقابله با مخاطرات و کسب آمادگی در برابر آن‌ها اهمیت داشته باشد (چرییر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین ایجاد سازوکارهای مناسب برای افزایش ارتباطات شهروندی در عرصه‌های عمومی و رشد تبادل گفتگویی بین انسان‌ها می‌تواند زمینه‌ساز درک بهتر مخاطرات و آمادگی بیشتر در برابر آن‌ها را فراهم سازد (کولکه<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲).

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد بین دلبستگی به مکان و مشارکت مدنی ارتباط معنی‌داری وجود دارد که این یافته تأییدکننده فرضیه سوم است. در تطابق با یافته‌های پژوهش لویکا (۲۰۰۵، ۲۰۱۳) و دالاگو و همکاران (۲۰۰۹) می‌توان گفت افزایش در مشارکت مدنی شهروندان تابعی از افزایش در میزان دلبستگی به مکان است و در مقابل افزایش دلبستگی به مکان تابعی از مشارکت مدنی شهروندان است. بنابراین به‌منظور تعمیق نتایج تحقیق حاضر می‌توان پیشنهاد کرد پژوهش‌های آتی به نقش متغیرهایی از قبیل: آگاهی از تاریخ مکان و اعتماد توجه بیشتری

---

1 Charrière

2 Kuhlicke

داشته باشند. دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی از قبیل: شبکه‌های روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی نیز می‌توانند به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در ارتباط بین دلبستگی به مکان و مشارکت مدنی مدنظر قرار گیرند.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و حاکمیت محلی در شهرها دارد. دلالت اول اینکه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در سطوح محلی کلید اصلی افزایش دلبستگی‌های اجتماعی و افزایش مشارکت مدنی شهروندان می‌تواند باشد. سیاست‌گذاری‌های محلی و دولتی می‌تواند با فراهم‌سازی خدمات عمومی دلبستگی شهروندان را نسبت به مکان بیشتر کرده و در نتیجه میزان مشارکت آن‌ها را در امور محلی ارتقاء ببخشند. دلالت دوم اینکه سیاست‌گذاران دولتی برای بهبود کیفیت محیط فیزیکی می‌توانند توجه بیشتری به طرح‌های اجتماعی و مشارکت بیشتر مردم از طریق توسعه دادن به فضاهای عمومی داشته باشند. و دلالت سوم این است که مردم برای ارتقای کیفیت زندگی خود باید در امور عمومی محله خود مشارکت داشته باشند که این امر می‌تواند احساسات اجتماعی را در آن‌ها تقویت کند. مدیران شهری باید از این موضوعات در ارتباط با مشارکت مدنی آگاهی داشته باشند و مشارکت مدنی را در فرایند تصمیم‌گیری‌ها دخالت دهند.

آمادگی در برابر مخاطرات دارای سه بُعد آمادگی فیزیکی، آمادگی رفتاری و آمادگی شناختی است، که نتایج پژوهش حاضر نشان داد میزان آمادگی شهروندان در برابر مخاطرات چندان رقم بالایی را نشان نمی‌دهد و حتی در برخی موارد از قبیل: وجود لوازم کمک‌های اولیه و لوازم ضروری برای مواجهه با مخاطرات، میزان آمادگی آن‌ها تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای را با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد. نتایج همچنین نشان می‌دهد کمتر از ۵۰ درصد شهروندان یک برنامه مشخص برای مواجهه با مخاطرات دارند و نسبت به انعقاد قرارداد بیمه خسارت اقدام کرده‌اند؛ این موضوع نشان می‌دهد که از نظر آمادگی رفتاری هم وضعیت چندان مطلوبی در این محله مشاهده نمی‌شود. اما در مورد آمادگی شناختی یافته‌های نسبتاً امیدوارکننده‌ای دیده می‌شود و به‌غیر از این موضوع که نزدیک به ۴۸ درصد پاسخ‌گویان از نحوه یافتن اولین پناهگاه اطلاع داشتند، در باقی موارد از قبیل: آگاهی از کمک گرفتن از دوستان و آشنایان، نحوه کمک گرفتن از مراجع دولتی و آگاهی از شیوه‌های خروج اضطراری نمره‌ای بالاتر از میانگین را کسب کرده‌اند. کسب نمره نسبتاً مطلوب در آمادگی شناختی به‌رغم نمره‌های نسبتاً پایین در آمادگی رفتاری و

فیزیکی بیانگر شکاف محسوسی بین شناخت و رفتار در ارتباط با آمادگی در برابر مخاطرات است. این موضوع را شاید بتوان با اشاره به نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده آیزن (۱۹۹۱) تبیین نمود. از نظر این محققین رفتار فردی یا گروهی تابعی از گرایش‌ها و هنجارهای ذهنی آن‌ها است. از این منظر انتظارات یا ارزیابی‌های ذهنی انسان‌ها از نتایج رفتار و پاداش و تنبیهی که مورد انتظار است، می‌تواند در کشش انسان‌ها به طرف رفتارهای خاصی بسیار اهمیت داشته باشد. همچنین هنجارهای ذهنی و ارزش‌هایی که از جانب محیط اجتماعی به فرد القاء و گاهی تحمیل می‌شود و انتظارات اجتماعی در شکل‌گیری رفتارها بسیار اهمیت دارند. از این منظر شاید بتوان گفت شکاف موجود میان شناخت و رفتار شهروندان ساکن در محله باغمیشه نسبت به مخاطرات به دلیل این باشد که آن‌ها هنوز تصور درستی از اهمیت مخاطرات و تأثیرات آن ندارند و در ارزیابی فایده و هزینه رفتارها بیشتر احساس می‌کنند که مخاطرات آن‌چنان هم به آن‌ها نزدیک نیستند که آن‌ها را به تأمین هزینه‌های ایمنی در برابر آن‌ها مجاب کند. لذا شاید انجام یک پژوهش مستقل در مورد تصورات و ارزیابی شهروندان از مخاطرات به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در اعمال و رفتارهای انسان در برابر مخاطرات و آمادگی آن‌ها برای مواجهه با آن‌ها ضرورت داشته باشد.

پژوهش حاضر دارای سه محدودیت مهم بود که امید می‌رود پژوهش‌های آتی بتوانند از این محدودیت‌ها خود را مصون بدارند. محدودیت اول این پژوهش آن است که مبتنی بر یک مطالعه مقطعی بوده و لذا نمی‌توان آن را به‌عنوان یک مطالعه تجربی کامل قلمداد کرد و به این دلیل امکان بررسی روابط علت و معلولی در آن به‌صورت کنترل‌شده فراهم نبوده است. بنابراین توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی از تکنیک‌های آزمایشی برای بررسی روابط علی متغیرها بهره گرفته شود. محدودیت دوم پژوهش حاضر محدود بودن آن به یک محله خاص از یک شهر است، که این موضوع شاید امکان تعمیم نتایج به سایر مناطق جغرافیایی و فرهنگی را محدود سازد. لذا توصیه می‌شود پژوهش‌های آتی به مطالعات در سطوح وسیع‌تر و مطالعات تطبیقی بیشتر اهتمام ورزند. محدودیت سوم پژوهش حاضر این بود که در این پژوهش فقط به جنبه‌های محدودی از دل‌بستگی مکانی توجه شده و جنبه‌های دیگر از قبیل: وابستگی مکانی و هویت مکانی مورد توجه واقع نشده است و توصیه می‌شود تحقیقات آتی بیشتر به این ابعاد توجه کنند.



### پیشنهادها

با توجه به نتایج این تحقیق که نشان داد شهروندان در زمینه آمادگی فیزیکی و رفتاری وضعیت چندان مطلوبی ندارند؛ لذا پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مدیریت مخاطرات در هماهنگی با واحدهای تولید و توزیع اقلام ایمنی در بین خانواده‌ها اقدامات لازم را انجام دهند، تا این اقلام به شکلی ارزان و آسان در اختیار خانواده‌ها قرار گیرد. البته ارائه آموزش‌های لازم به منظور استفاده مناسب از آن‌ها می‌تواند شرایط را برای بهره‌مندی بهتر خانواده‌ها از وسایل ایمنی‌زا فراهم سازد. با توجه به مهاجرپذیر بودن شهرک باغمیشه و تغییرات بسیار زیادی که در ساختار کالبدی و فرهنگی اجتماعی این شهرک در دو دهه اخیر اتفاق افتاده، شاهد کاهش میزان دلبستگی به این شهرک هستیم و این امر به‌ویژه به سبب موقعیت حساس این شهرک به دلیل قرار گرفتن در کانون مخاطرات طبیعی شهر تبریز تشدید می‌شود. لذا با انجام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های ایمن‌سازی فضاهای عمومی و خصوصی شهرک می‌توان تمایل به ماندگاری و در نتیجه مشارکت بیشتر شهروندان را در امور محلی تقویت کرد.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد به‌رغم وضعیت نه‌چندان مطلوب آمادگی رفتاری و فیزیکی در برابر مخاطرات، میزان آمادگی شناختی در حد نسبتاً مطلوبی قرار دارد. این ظرفیت‌های شناختی و تعمیق آن‌ها می‌تواند به‌مرور در رفتار و عملکردهای مناسب در برابر مخاطرات نیز تأثیر مثبت داشته باشد، لذا توصیه می‌شود به امر آموزش شهروندی و توسعه اطلاعات کاربردی و عملی شهروندان توسط مسئولین و متولیان امر اهتمام ویژه‌ای شود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نمایشگاه‌ها، برگزاری گردهمایی‌های محلی، ایجاد فضای گفتگو و مباحثه محلی از جمله راهکارهای مناسبی است که می‌توان از آن‌ها برای توسعه این ظرفیت‌های شناختی استفاده کرد.

با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات مشابه بیانگر ارتباط متقابل متغیرهای دلبستگی به مکان، مشارکت مدنی و آمادگی در برابر مخاطرات است، می‌توان از ظرفیت بالای مشارکت‌های محلی و آگاهی عمومی مردم در ارتباط با مشارکت برای تقویت دلبستگی به مکان و ایجاد عواطف مثبت نسبت به محله استفاده کرد. در این زمینه گسترش فضاهای عمومی، ترغیب مردم به ایجاد و توسعه کنش‌های ارتباطی در این فضاها می‌تواند هم در ایجاد دلبستگی بیشتر نسبت به مکان و هم در توسعه مشارکت اجتماعی و کنش‌های جمعی مشترک بسیار مؤثر باشد.

پرداختن به تاریخچه محله و جایگاه تاریخی آن به عنوان یکی از دروازه‌های اصلی شهر و احیای هویت تاریخی آن در نگاه شهروندان می‌تواند عامل انگیزاننده مهمی در دل‌بستگی بیشتر و مشارکت آن‌ها در توسعه و آمادگی بیشتر در برابر مخاطرات باشد. تأثیر دل‌بستگی به مکان بر تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی نشان می‌دهد در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان شهری توجه به عامل دل‌بستگی به مکان به عنوان نکته کلیدی می‌تواند نقش مهمی در توسعه محلی و استفاده از ظرفیت‌های مدنی برای مقابله با بحران‌ها ایفا کند. البته تحقق هدف اخیر نیازمند اعتمادسازی و افزایش تعاملات دولت‌ها و سازمان‌های رسمی با نهادهای مدنی و محلی است که این امر در سایه ارتباطات شفاف، حل تعارض منافع، دخالت دادن عموم مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و ارائه خدمات بهتر به آن‌ها محقق خواهد شد.

## منابع

- حبیبی، آرش؛ عدن‌ور، مریم (۱۳۹۶)، *مدل‌یابی معادلات ساختاری*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۸)، تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، *نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*، شماره ۳۸: ۳۷-۴۸.
- رهنما، محمد رحیم؛ رضوی، محمد محسن (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، *نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*، دوره هفدهم، شماره ۲: ۲۹-۳۶.
- زنگنه، یعقوب؛ حسین آبادی، سعید؛ روشندل، تکتم؛ نبی‌پور، رضا (۱۳۹۳)، تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی: محله سرده سبزوار، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۱۱-۱۲۸.
- شریف‌زاده، محمدشریف؛ عبدالله‌زاده، غلامحسین؛ اژدرپور، علیرضا؛ شریفی، مهنوش (۱۳۹۵)، پدیدارشناسی برداشت روستاییان از تعلق مکانی در شهرستان زابل، دو فصلنامه توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره هشتم، شماره ۱: ۱۱۳-۱۳۸.
- علاءالدینی، پویا؛ فرضی زاده، زهرا؛ عزیزی مهر، خیام؛ یگانه، نسیم (۱۳۹۹)، بازسازی و توسعه محلی پس از سوانح: برخی چالشها در مناطق زلزله زده استان کرمانشاه، دو فصلنامه توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره دوازدهم، شماره ۲: ۶۱۹-۶۴۲.

محمدزاده، رحمت (۱۳۸۹). بررسی نقش فضاهای باز و شبکه ارتباطی در کاهش آسیب زمین لرزه مورد مطالعه منطقه باغمیشه تبریز، دوره بیستم، شماره ۵۰: ۱۰۳-۱۱۲.

نعیمی نظم‌آباد، زهرا؛ فرج‌پور، مریم؛ امیرشقایق، محمدرضا (۱۳۹۴). میزان سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافت‌های قدیمی با همستان‌های شهری نمونه موردی: محله درب نو گرگان، مدیریت شهری، دوره چهاردهم، شماره ۳۸: ۱۳۳-۱۵۰.

نقدی، اسدالله؛ وحدت، سلمان؛ سجادزاده، حسن (۱۳۹۵). نقش سرمایه‌های اجتماعی در دل‌بستگی به مکان در محلات سنتی (نمونه‌ی موردی: محلات شهر همدان)، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال ششم، شماره ۱۸: ۲۳-۵۲.

- Adie, B. A. (2020). Place attachment and post-disaster decision-making in a second home context: A conceptual framework, *Current Issues in Tourism*, 23(10): 1205-1215.
- Ajzen, I. (1985). From intentions to actions: A theory of planned behavior. In *Action control* (pp. 11-39). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior, *Organizational behavior and human decision processes*, 50(2): 179-211.
- Anton, C. E., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation, *Journal of Environmental Psychology*, 40: 451-461.
- Anton, C.E.; Lawrence, C.(2015). Does place attachment predict wildfire mitigation and preparedness? A comparison of wildland–urban interface and rural communities. *Environ, Manag.* 57: 148–162
- Becken, S., & Hay, J. E. (2007). *Tourism and climate change*. In *Tourism and Climate Change*. Channel View Publications.
- Bonaiuto, M., Alves, S., De Dominicis, S., & Petruccioli, I. (2016). Place attachment and natural hazard risk: Research review and agenda, *Journal of Environmental Psychology*, 48: 33-53.
- Bourdieu, P. (1983). The field of cultural production, or: The economic world reversed, *Poetics*, 12(4-5): 311-356.
- Brown, G., Raymond, C. M., & Corcoran, J. (2015). Mapping and measuring place attachment, *Applied Geography*, 57: 42-53.
- Buta, N., Holland, S. M., & Kaplanidou, K. (2014). Local communities and protected areas: The mediating role of place attachment for pro-environmental civic engagement, *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 5: 1-10.
- Chamlee-Wright, E., & Storr, V. H. (2009). “There’s no place like New Orleans”: sense of place and community recovery in the Ninth Ward after Hurricane Katrina, *Journal of Urban Affairs*, 31(5): 615-634.
- Charrière, M. K., Junier, S. J., Bogaard, T. A., Mostert, E., Malet, J. P., & van de Giesen, N. C. (2017). The impact of an exhibition on risk awareness of the general public in mountainous areas, *International journal of disaster risk reduction*, 25: 36-59.
- Chiu, C. M., Cheng, H. L., Huang, H. Y., & Chen, C. F. (2013). Exploring individuals’ subjective well-being and loyalty towards social network sites from the perspective of network externalities: The Facebook case, *International Journal of Information Management*, 33(3): 539-552.

- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital, *American Journal of sociology*, 94: 95-120.
- Dallago, L., Perkins, D. D., Santinello, M., Boyce, W., Molcho, M., & Morgan, A. (2009). Adolescent place attachment, social capital, and perceived safety: A comparison of 13 countries, *American journal of community psychology*, 44(1-2), 148.
- Edelstein, M. R., & Wandersman, A. (1987). Community dynamics in coping with toxic contaminants. In *Neighborhood and community environments* (pp. 69-112). Springer, Boston, MA.
- Evans, G. W., & Stecker, R. (2004). Motivational consequences of environmental stress, *Journal of Environmental Psychology*, 24(2): 143-165.
- Gifford, R., Scannell, L., Kormos, C., Smolova, L., Biel, A., Boncu, S., ... & Uzzell, D. (2009). Temporal pessimism and spatial optimism in environmental assessments: An 18-nation study, *Journal of environmental psychology*, 29(1): 1-12.
- Haddow, G.D.; Bullock, J.A.; Coppola, D.P. (2017). *Introduction to Emergency Management*, 6th ed.; Butterworth-Heinemann: Amsterdam, The Netherlands, 2017; ISBN 978-0-12-803064-6
- Hall, C. M., & Higham, J. E. (Eds.). (2005). *Tourism, recreation, and climate change* (Vol. 22), Clevedon: Channel View Publications.
- Hallman, W. K., & Wandersman, A. (1992). Attribution of responsibility and individual and collective coping with environmental threats, *Journal of Social Issues*, 48(4): 101-118.
- Halpenny, E. A. (2010). Pro-environmental behaviours and park visitors: The effect of place attachment, *Journal of environmental psychology*, 30(4), 409-421.
- Han, Z., Wang, H., Du, Q., & Zeng, Y. (2017). Natural hazards preparedness in Taiwan: A comparison between households with and without disabled members, *Health security*, 15(6): 575-581
- Hong, Y., Kim, J. S., & Xiong, L. (2019). Media exposure and individuals' emergency preparedness behaviors for coping with natural and human-made disasters, *Journal of Environmental Psychology*, 63: 82-91.
- Kuhlicke, C., Steinführer, A., Begg, C., Bianchizza, C., Bründl, M., Buchecker, M., ... & Faulkner, H. (2011). Perspectives on social capacity building for natural hazards: outlining an emerging field of research and practice in Europe, *Environmental Science & Policy*, 14(7): 804-814.
- Kulmala, I., Salmela, H., Kalliohaka, T., Zwęgliński, T., Smolarkiewicz, M., Taipale, A., & Kataja, J. (2016). A tool for determining sheltering efficiency of mechanically ventilated buildings against outdoor hazardous agents, *Building and Environment*, 106: 245-253.
- Kulmala, I., Zwęgliński, T., Smolarkiewicz, M., Salmela, H., Kalliohaka, T., Taipale, A., ... & Mäkipää, V. (2020). Effect of enhanced supply air filtration in buildings on protecting citizens from environmental radioactive particles, *In Building Simulation* (Vol. 13, No. 4, pp. 865-872). Tsinghua University Press.
- Lenzi, M., Vieno, A., Pastore, M., & Santinello, M. (2013). Neighborhood social connectedness and adolescent civic engagement: An integrative model, *Journal of Environmental Psychology*, 34: 45-54.
- Levy, J. S. (1992). An introduction to prospect theory, *Political Psychology*, 13(2), 171-186.
- Lewicka, M. (2005). Ways to make people active: The role of place attachment, cultural capital, and neighborhood ties, *Journal of environmental psychology*, 25(4): 381-395.
- Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past, *Journal of environmental psychology*, 28(3): 209-231.
- Lewicka, M. (2013). *In search of roots*. In L. C. Manzo & P. Devine-Wright (Eds.), *Place attachment: Advances in theory, methods and applications* (pp. 49-60). Routledge.

- Lindell, M. K., & Perry, R. W. (2012). The protective action decision model: theoretical modifications and additional evidence, *Risk Analysis: An International Journal*, 32(4): 616-632.
- Low, S. M., & Altman, I. (1992). Place attachment. In *Place attachment* (pp. 1-12). Springer, Boston, MA.
- Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning, *Journal of planning literature*, 20(4): 335-350.
- Marshall, N. A., Park, S. E., Adger, W. N., Brown, K., & Howden, S. M. (2012). Transformational capacity and the influence of place and identity, *Environmental Research Letters*, 7(3): 034022.
- Mesch, G. S., & Manor, O. (1998). Social ties, environmental perception, and local attachment, *Environment and behavior*, 30(4): 504-519.
- Mishra, S., Mazumdar, S., & Suar, D. (2010). Place attachment and flood preparedness, *Journal of environmental psychology*, 30(2): 187-197.
- Murray, M., & Watson, P. K. (2019). Adoption of natural disaster preparedness and risk reduction measures by business organisations in Small Island Developing States-A Caribbean case study, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 39, 101115.
- Palmer, N. A., Perkins, D. D., & Xu, Q. (2011). Social capital and community participation among migrant workers in China, *Journal of community psychology*, 39(1): 89-105.
- Paton, D. (2003). Disaster preparedness: a social-cognitive perspective, *Disaster Prevention and Management: An International Journal*.
- Paton, D. (2003). Disaster preparedness: a social cognitive perspective, *Disaster Prevention and Management*, Vol. 12 No. 3, 210-216.
- Paton, D. (2019). Disaster risk reduction: Psychological perspectives on preparedness, *Australian journal of psychology*, 71(4): 327-341.
- Phillips, B., Neal, D. M., & Webb, G. (2016). Introduction to emergency management. CRC Press.
- Piccardi, L., & Masse, W. B. (Eds.). (2007). *Myth and geology*. Geological Society of London.
- Pradhananga, A. K., & Davenport, M. A. (2017). Community attachment, beliefs and residents' civic engagement in stormwater management, *Landscape and Urban Planning*, 168:1-8.
- Pretty, J. (2003). Social capital and the collective management of resources, *Science*, 302(5652): 1912-1914.
- Proshansky, H., Fabian, A., & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical world socialization of the self, *Journal of Environmental Psychology*, 3(1), 57-83.  
[https://doi.org/10.1016/s0272-4944\(83\)80021-8](https://doi.org/10.1016/s0272-4944(83)80021-8)
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and schuster.
- Relph, Edward (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Sadiq, A. A. (2017). Determinants of organizational preparedness for floods: US employees' perceptions, *Risk, Hazards & Crisis in Public Policy*, 8(1): 28-47.
- Sadiq, A. A., Tharp, K., & Graham, J. D. (2016). FEMA versus local governments: Influence and reliance in disaster preparedness, *Natural hazards*, 82(1): 123-138.
- Sanquini, A. M., Thapaliya, S. M., & Wood, M. M. (2016). A survey instrument to isolate effectiveness of a novel risk communication intervention, *Natural Hazards*, 82(1): 59-72.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework, *Journal of environmental psychology*, 30(1): 1-10.
- Silver, A., & Grek-Martin, J. (2015). "Now we understand what community really means": Reconceptualizing the role of sense of place in the disaster recovery process, *Journal of Environmental Psychology*, 42: 32-41.

- Stedman, R. C. (2002). Toward a social psychology of place: Predicting behavior from place-based cognitions, attitude, and identity, *Environment and behavior*, 34(5): 561-581.
- Stefaniak, A., & Bilewicz, M. (2016). Contact with a multicultural past: A prejudice-reducing intervention, *International Journal of Intercultural Relations*, 50: 60-65.
- Stefaniak, A., Bilewicz, M., & Lewicka, M. (2017). The merits of teaching local history: Increased place attachment enhances civic engagement and social trust, *Journal of environmental psychology*, 51: 217-225.
- Swapan, M. S. H., & Sadeque, S. (2020). Place attachment in natural hazard-prone areas and decision to relocate: Research review and agenda for developing countries, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 101937.
- Vorkinn, M., & Riese, H. (2001). Environmental concern in a local context: The significance of place attachment, *Environment and behavior*, 33(2): 249-263.
- Walker, A. J., & Ryan, R. L. (2008). Place attachment and landscape preservation in rural New England: A Maine case study, *Landscape and urban planning*, 86(2): 141-152.
- Wannous, C., & Velasquez, G. (2017). United nations office for disaster risk reduction (unisdr)—unisdr's contribution to science and technology for disaster risk reduction and the role of the international consortium on landslides (icl). In Workshop on World Landslide Forum (pp. 109-115). Springer, Cham.
- Winkel, G., Saegert, S., & Evans, G. W. (2009). An ecological perspective on theory, methods, and analysis in environmental psychology: Advances and challenges, *Journal of Environmental Psychology*, 29(3): 318-328.
- Wu, G., Han, Z., Xu, W., & Gong, Y. (2018). Mapping individuals' earthquake preparedness in China, *Natural Hazards and Earth System Sciences*, 18(5): 1315-1325.
- Xu, D., Peng, L., Liu, S., & Wang, X. (2018). Influences of risk perception and sense of place on landslide disaster preparedness in southwestern China, *International Journal of Disaster Risk Science*, 9(2): 167-180.